

به نام خدا

هفدهمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، سه شنبه بیستم و یکم اردیبهشت‌ماه، مطابق با بیست‌وهشتمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این وبینار، دکتر مریم قبادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با موضوع «اهمیت اخلاص و خلوص در روابط فردی و اجتماعی» سخنرانی خود را ارائه کرد.

دکتر مریم قبادی با اشاره به سخنرانی قبلی خود در جلسه نهم از جلسات محضر نور گفت، در جلسه گذشته دو نکته محوری مطرح شد، اول: عمل خالص مقدماتی نیاز دارد: تمرکز آگاهانه بر نیت، هم‌زمان تمرین و ممارست

(تلاش مستمر) در پیراستن آن از شوائب و آمیزه‌های مختلف و در نهایت مراقبت در حفظ و تثبیت آن.

دوم: اخلاص، بنیان و شالوده توحید است. به قول بزرگی، عمل خالص آن باشد که نه ملک داند که بنویسد و نه شیطان داند که آن را تباه کند و نه نفس داند که به تباه آن بکوشد. بلکه، عبارت است از بریدن و انقطاع از هر آنچه غیر خداست و تمرکز بر وجه الله و این همان مقام والای توحید است.

ایشان در ادامه گفت، در بحث امروز در ارتباط با اخلاص مروری کوتاه بر آیاتی که بیانگر نسبت اخلاص با توحید است را انجام می‌دهیم.

شاید بیش از ۱۲۰ آیاتی که مربوط به مقوله اخلاص که عنوان یکی از مقولات مقامات عرفانی مطرح است ۱۲ آیه آیاتی هستند که در آنها بحث اخلاص بیشتر با واژه‌های اخلاص، دین، عبادت و دعا همراه و هم‌نشین است. شاید برای شما هم این سؤال مطرح شده باشد که مراد از اخلاص در دین چیست؟ و اساساً دین در این گروه از آیات به چه معناست؟

صرف نظر از این که آیا دین، وام واژه است یا واژه ای عربی است؟ برخی بر این باورند که دین، با معانی مختلفی مثل: آئین و کیش، وجدان (ندای درونی) و حسی روحانی و ایزدی از زبان فارسی باستان به عرب جاهلی راه یافته است.

اما مفسران قرآن، مراد از دین را در این گروه از آیات اطاعت و عبادت دانسته‌اند. بدین معنا که تنها و تنها عبادت خدا را کردن و از اطاعت و عبادت غیر او بازایستادن، آنگونه که مشرکان کسانی غیر خدا را به عنوان ولی و دوست می‌گیرند (حتی به بهانه اینکه آنها را به خدا نزدیکتر سازند). نبی اکرم (ص) مأمور است که فقط بندگی خدا را بکند، خالصانه و به دور از هر آمیزه ای و بلکه تمام انسانها به حکم عقل و منطق می‌بایست به یک معبود توجه و

تمرکز کنند و از شرک پرهیزند. در این آیات، قرائنی لفظی این دلالت (معنای توحید عبادی را برای اخلاص) را تأیید و بلکه تأکید می کنند. مثل واژه حنفاء یا نفی شرکی که در ادامه آیات آمده است.:

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۲) أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

سوره زمر

غالب مفسران از جمله طبری مراد از دین را اطاعت و عبادت می دانند. بنابراین می توان گفت، آیه را ناظر بر عبادت خالصانه (توحید) دیده و با تعابیر مختلف از آن سخن گفته اند: بنابراین، معنای مخلصاً له الدین، مثلاً از نظر طبری، عبادت موحدانه است. مراد از الله الدین الخالص، این است که عبادت و اطاعت فقط برای خداست (وحده لا شریک له)، به بیان دیگر، معنای آن، شهادت لا اله الا الله است. شهادتی خالص از هرگونه شرک.

ای محمد، حال که قرآن به حق نازل شده پس، در تمام شؤون زندگی ات، خدا را طبق آنچه برای تو تشریح کرده، عبادت کن. بدان که دین / عبادت خالص فقط برای خداست. و اگر برای خدا خالص نباشد، شرک است

انسان باید در دین، عبادت تنها به خدا توجه کند و غیر او را نخواند و با او هیچ کس را نه برای جلب منفعت و نه برای دفع ضرر پرستش نکند، و غیر خدا را به عنوان ولی و دوستی که واسطه او و خدا باشد، برنگزیند.

در ادامه ایشان گفت: شاید بتوان گفت در قرآن، سه سطح از اخلاص مطرح شده است. پایین ترین مرتبه اخلاص، که من اسمش را اخلاص مقطعی گذاشته ام، وقتی است که انسان در یک شرایط بحرانی حادی قرار می گیرد و هر چه جستجو می کند، راهی برای برون رفت از آن نمی یابد و خسته از تلاش های بی ثمر، از همه راه ها، وسایل و ابزارها مأیوس می شود، فقط و فقط او هست و دنیایی سرشار از بیم و هراس. وقتی کاملاً از همه کس و همه چیز منقطع شد و دل کند و تنها و تنها متوجه خدا شد، به ناگاه، روزنه ای، از درونش گشوده می شود و از سر صدق و اخلاص خدا را می خواند:

۲۳ و ۲۲ / یونس: هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

در نگاه علامه طباطبایی، این توجه خالصانه، رویکرد و توجهی فطری است. ایشان برای این ادعای خود، به آیه ۴۱ و ۴۰ / انعام استدلال کرده اند .

در این آیه، عذاب و یا قیامتی را فرض کرده که از جانب خدا بیاید، حال از مشرکان سوال می کند، در آن شرایط چه کسی را صدا می زنید؟ دست به دامان چه کسی خواهید شد؟ آیا جز خدا کسی هست که به داد شما برسد؟ قطعا از معبودهایتان کمک نخواهید خواست. زیرا آنها را می بینید که مانند خود شما محکوم همان حادثه اند. شما حتی از شدت گرفتاری، معبودهایی را که خدا و شرکای خدا نامیده بودید، خود فراموش خواهید کرد .

انسان وقتی که از چهار طرف هدف تیر بلا و مصیبت واقع می شود، غیر خود همه چیز را فراموش می کند، در همان حال، در درون خود، ندایی را درمی یابد و احساس می کند که کسی هست که می تواند پریشانی او را بر طرف کند. او متوجه پروردگارش می شود؛ زیرا، روی آوردن به خدا در مشکلات و سختی ها، از فطریات انسان است . گاه، آدمی به رغم بریدن از همگان و همه چیز، آن نور را در خود نمی یابد، شاید دلیلش این باشد که او خودش را هم گم کرده یا از شدن هراس، متوجه خودش هم نیست. همانند کسانی که در دریا در حال غرق شدن هستند و از همه جا ناامید شده اند اما تنها برخی از آنها در این شرایط خدا را درون خود می یابند و می خوانند و همین، عامل نجاتشان می شود اما چه بسیار کسانی که تا پایان این راه، روی خود را به سوی او نمی کنند.

در سطوح بعدی قرآن کریم، از دو گروه اهل اخلاص سخن رفته است: مخلصان و مخلصان:

مخلصین، وصف کسانی است که به جدّ مراقب اند و می کوشند نیت خود را در اعمال عبادی از هر آنچه غیر خداست، خالص کنند. و این عین مراقبت از نفوذ و آلودگی به شرک است.

مخلصین شامل طیف وسیعی از انسانهاست. تمام کسانی که نخستین گامها را در وادی اخلاص بر می دارند تا کسانی که هنوز به سطح ملکه شدن اخلاص در وجودشان نرسیده اند؛ در شمار مخلصان هستند .

اما مخلص، یعنی کسی که اخلاص در او محقق و ملکه شده است. وصف کسی است که پس از مدت‌ها جهاد مستمر با نفس، موفق شده ساحت وجودش را از هرگونه ریا و شرک بپیراید و جز خدا را نمی بیند و نمی خواهد. کسی که به توحید ناب و خالص نائل شده، آینه تمام نمای حق است؛ زیرا صحیفه جانش را آنچنان صیقلی داده که نور خدا را بازمی تاباند . او کسی است که شیطان از نفوذ در او مأیوس است. در نتیجه قلبش، قلبی سلیم است.

در انتها به آثار اخلاص به عنوان ثمره توحید، و نهایت درجه یقین، علاوه بر آن که موجب گشایش در کارها می شود، اثراتی ژرف و ثمراتی شیرین دارد اشاره نمودند؛ کمترین آثارش عبارتست از: عشق، امید، آرامش و

امنیت روحی و روانی و... که به هیچ حدی محدود نیست و در تمام شئون و ابعاد زندگی، اعم از فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، درونی و بیرونی و نیز در سطوح مختلف روابط شخصی و بسی فراتر از آن حتی در ارتباط با دشمنان به طور جدی اثرگذار است.

اهل اخلاص هر کاری که برای رضای پروردگار انجام دهد، از بین رفتنی نیست، بلکه، به سان یک انرژی پنهان و گاه پیداء، روان و جاری است و قلوب دیگران ناخودآگاه به سوی او متمایل می شود، بدون اینکه او چنین خواسته باشد.

نکته ای که در پایان باید بر آن تأکید کنم این است که گمان نکنیم اخلاص، امری دست‌نیافتنی است.

انسان به هر میزانی که در کسب اخلاص توفیق بیابد، به همان میزان، ثمر و نتیجه آن را در زندگی شخصی خود خواهد دید. زیرا، ان الله سریع الحساب. حتی اگر عمل بسیار ناچیز و کوچک باشد، چه بسا همین کار به ظاهر ساده و ناچیز بتواند نقطه عطفی باشد و مسیر و سرنوشت آدمی کاملاً دگرگون کند. بلکه اساساً، کار از همین گامهای کوچک و لرزان شروع می شود و با تلاش و تکرار و استمرار گسترش می یابد و رفته رفته در ژرفای جان و فکر رسوخ می کند و سرانجام رنگ و بوی خدایی میگیرد که «صبغۀ الله و من أحسن من الله صبغۀ»؛ «کدامین رنگ بهتر از رنگ خداست؟» و این پیام، زنگار از قلب او می زداید و نور امید بر آن می دمد. و باز تکرار و تکرار تا رسیدن به قله های اوج.

در جمع بندی این بخش باید گفت که انسان در هر حدی که بتواند (حتی در یک عمل) با مراقبت و تمرین کافی، به اخلاص دست یابد، به همان اندازه از ثمرات آن بهره‌مند خواهد شد. نباید گمان کرد من که نمی توانم به مقام مخلصین دست یابم، چون خیلی سخت و دست‌نیافتنی است، بلکه به هر میزان که تلاش شود، مطلوب است و نتایج و اثرات آن را در زندگی خود خواهد دید. در آخر، می توان نتیجه گیری کرد، که اخلاص محصول علم و معرفت، یقین و ایمان است و حاصل اخلاص، توحید بندگی.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.